



اقدام غرور آفرین ملی‌پوشان هندبال کشورمان در کویت و ادای احترام معنادار هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی ایران انسجام و همبستگی ملی در مقابل بدخواهان را به تصویر کشید

ورزش علیه دشمن

دست خدا همین دست بچه‌های هندبال است به احترام دست جداشده قهرمان‌شان حاج قاسم سلیمانی

صفحات ۶ و ۷

تیتراهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد واکنش دولت و مجلس به اقدام اروپا چه باید باشد؟

لغو بازرسی‌ها برگ برنده ایران

«وطن امروز» تهدید هستم‌ای دولت مبنی بر خروج از «ان پی تی» را بررسی کرد محدودیت بازرسی‌ها به جای خروج از «ان پی تی»



صفحه ۲

«وطن امروز» از بی‌توجهی دولت به ابزارهای جایگزین دلار گزارش می‌دهد

باشگاه طرفداران دلار!

سرانجام نامشخص پیمان‌های پولی بین ایران، چین، روسیه و ترکیه عزم سیاسی برای ایجاد رزمراز منطقه‌ای توسط ایران وجود ندارد

صفحه ۳

«وطن امروز» تأثیر برخی تصمیمات قضایی برای مبارزه با مواد مخدر گزارش می‌دهد

پرواز ممنوع!

فرذا جلسه سرنشست ساز شیخ سلمان با نمایندگان فوتبال ایران

آخرین امید

صفحه ۶

نگاه

مصونیت دیپلماتیک علل و محدودیت‌ها

حمیدرضا ابراهیمی: حقوقدانان، مصونیت فرستادگان را اولین قاعده حقوق بین‌الملل می‌دانند. در مفهوم حقوقی، مصونیت به طور کلی بدین معناست که دارنده آن، از تعقیب قانون و مأموران دولت در خارج امن است و به بیان دیگر، قانون و مجریان آن نمی‌توانند شخص دارنده آن را تعقیب کنند و مقصود از مزایا، آن است که امتیازات به کسی داده شود که سایر مردم، حق استفاده از آن نداشته باشند.

در مقدمه «کنوانسیون ۱۹۶۱ وین» درباره روابط سیاسی آمده است: «منظور از مصونیت‌ها و مزایای مذکور منتفع ساختن افراد نیست، بلکه مراد حسن اجرای وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولت‌ها است». دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران بر این نکته تأکید کرده و می‌گوید: «مصونیت دیپلمات‌ها ناشی از ویژگی نمایندگی و وظیفه دیپلماتیک آنان است. پاسداشت چنین امتیازی نشان از شخصیت و کرامت فرستنده داشته و هرگونه سوءاستفاده از آن نیز لطمه به اعتبار مقامی است که او را به مأموریت برون‌مرزی فرستاده است».

در میان رفتارهای نمایندگان در کشور میزبان، ۲ اصل بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و در تمام اسناد حقوق دیپلماتیک تکرار شده است که عبارت‌اند از: اصل عدم مداخله و اصل احترام به قوانین و مقررات دولت میزبان. عدم مداخله در امور یک دولت، از اصول مسلم حقوق بین‌الملل و انعکاسی از اصل حاکمیت و برابری دولت‌هاست. هیچ دولتی بدون آنکه خود بخواهد، مداخله در امور خود را اجازه نمی‌دهد.

جانبداری از احزاب و گروه‌های سیاسی، نشر و توزیع مطبوعات مخالف اتخاذ موضع در انتخابات، مشارکت در گردهمایی‌ها، انتقاد از سیاست داخلی و خارجی دولت میزبان و هرگونه اقدامی که نادیده گرفتن اصل حاکمیت تلقی شود، از جمله موارد مداخله به حساب می‌آید. اصل احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده نیز جایگاه بالایی در حقوق بین‌الملل دارد. دیپلمات‌ها با هدف نمایندگی از کشور متبوع خود و حفظ منافع کشور و اتباع آن نیز برای بسط روابط دوستانه و توسعه روابط فرهنگی، علمی و اقتصادی بین دو کشور فرستنده و پذیرنده به آنجا اعزام می‌شوند (ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۶۱). آنان متعهد به رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده‌اند (ماده ۴۱ همان کنوانسیون). احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده، لازمه منطقی اعطای مصونیت‌ها است و در سایه آن، امنیت و مصالح دولت پذیرنده تأمین می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت یک

علی آران: سال پیش درست در چنین روزهایی، خیلی از علاقه‌مندان به سینما و ورزش بی‌تاب این بودند تا ببینند فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» که برای نخستین‌بار در جشنواره فجر اکران می‌شد، چطور از آب درآمده است. آیا فیلم بهرام توکلی حق مطلب را درباره جهان پهلوان ادا کرده یا صرفاً واگویی‌های دیگر است با دستمایه ابهام‌زایی درباره مرگ او. آن موقع هنوز باور نداشتیم حقیقتا زمان آزمایش فرامی‌رسد اما فطرتا به دنبال قهرمان واقعی می‌گشتم و تختی اصل جسد بود؛ مردی که اغلب باور داشتیم همان گونه که زیسته‌تر مرده است، ایستادنش به پای ایران و ایرانی مهم بود و نه خاک شدن یا نشاندنش. آن روزها آنقدر دور نیست که فراموش‌شان کرده باشیم؛ روزهایی که مشکلات معیشتی بر اثر قربانی شدن واحد پول ملی توسط تیم دولت فتنه‌فرته گریبانگیر مردم می‌شد و چهره بحرانی خود را جلوتر از مصیبت‌های زلزله و پس از آن سیل، نشان می‌داد. همه اینها جان مردم را از پوچی سلبریتی‌های لاکچری مدعی رهبری هکری جامعه و در حال بی‌شکل شدن از صفحات اینستاگرام و سالن‌های آرایش و مد، به لب رسانده بود. هنوز گند پول‌های بنفش انتخابات در حساب‌های‌شان درنمایدن بود و به راستی درک نکرده بودیم زمان یا گذاشتن قهرمان واقعی به

دستان خدا

اما سیل از خودبیگانگی و برانگیزنده آمد و حماسه‌های سیل را با خود شست و برد. شاید ما برای به خود آمدن و همبستگی با خویش‌ن و مهین، دشمنی بزرگ‌تر نیاز داشتیم؛ دشمنی که مثل زلزله و سیل نیاید و هرگز چه آن خصم دهه‌ها حی و حاضر بود اما با ترور اهریمنی حاج قاسم بود که سرانجام وجودش را به ذهن فراموشکار ما تحمیل کرد. این داغ پهلوان محبوب وطن بود که ایمانمان را به پاری دست خدا دوباره زنده کرد. ملی‌پوشان هندبال ایران روز دوشنبه دست به کار بزرگی زدند و در دور دوم رقابت‌های قهرمانی آسیا میزبان قدرتمند خود کویت را در مسیر صعود به رقابت‌های قهرمانی جهان شکست دادند. اگر چه از نگاه فاطمه مردم، پیروزی ملی بزرگ‌تر این قهرمانان قبل از شروع مسابقه به ثبت رسید نه بعد از ثبت نتیجه ۲۸ بر ۲۴ در تابلوی نتایج در پایان مسابقه.

اعضای تیم ملی هندبال، با سلام نظامی به پرچم سه‌رنگ جمهوری اسلامی ایران و خواندن سرود ملی ثابت کردند نه فقط ستاره‌های عرصه قهرمانی، بلکه مردان روزهای سخت تحریم و تهدید وطن‌شان هستند. یونس آثاری، اله کرم استکی، سجاد استکی، محمدرضا اورعی، سلمان بریط، محسن بلابصری، مه‌ران حسینی،

نشان خانوادگی ایران

صادق فرامرزی

نهایی جام جهانی مقابل تیم ملی انگلیس با زدن فراموش‌نشدنی‌ترین گل‌های خود جلوه‌ای از یک انتقام ملی را در اعتراض به تجاوز «دگری» بریتانیا در جنگ فاکلکند به نمایش عمومی گذاشت. آن روز نتیجه روی اسکوربرد ورزشگاه خبر از پیروزی آرژانتین و صعودش به مرحله نیمه‌نهایی می‌داد و آن شب هم نتیجه نهایی خبر از پیروزی ایران بر کویت می‌داد اما در این دو روز شاید کم‌اهمیت‌ترین چیزی که برای تاریخ ماند، نتیجه پیروزی تیم‌ها بود. آن که پیش از یک تیم به پیروزی رسیده بود، ملتی بود که با همبستگی خود مقابل یک فشار خارجی به دفاع برخاسته بود. همبستگی یک «ما» که برای مفهوم «مهین» می‌تواند از دوگانه‌های سرخابی نیز عبور کند و تیم‌هایی را که تاریخ‌شان به رقابت با یکدیگر پیوند خورده است به یک همصدایی برای «ه» گفتن به درخواستی متجاوزانه بکشاند. قالی که ۲ شب پیش برای لحظاتی کوتاه و به اندازه پخش شدن سرود ملی ایران در مقابل دوربین‌ها ثبت شد، چیزی بیش از یک تشریفات فرمالیته بود و در حافظه جمعی ما به عنوان نشانی از نشانی خانگی مان «پران» ثبت شد. درست در روزهایی که میزبانی تیم‌های فوتبال ایران هدف کارشکنی بیگانگان قرار گرفته است، ایران سربازان خود را بیرون از خاک خویش در نمایشی جمعی دید تا در سخت‌ترین لحظات پیام یکی بودن را دریافت کند. این بهترین نمایش جمعی ورزشکاران کشوری بود که همیشه مدال‌های خود را در ورزش‌های انفرادی کسب کرده است!

یادداشت ۲

درست در میانه تلخ و شیرین روزهایی که «ما» ملی بیش از پیش در مقابل «دگری» بیگانه، میلی مضاعف برای برجسته کردن خود دارد، سالن سعد عبدالله کویت شنی به یادماندنی را برای ایرانیان رقم زد؛ شنی که قبل از برگزاری یک مسابقه هندبال، تماشاگران حاضر در سالن صحنه‌هایی حماسی را مشاهده کردند؛ کلیشه‌شکنی بازیکنان را به جایگاه بودند عنوان صنفی و تعریف شده از بازیکن را به جایگاه نام‌آشنایی دیگر تبدیل کنند و «همود ورزشی» خود را در قالب «نماد سربازی» مهین به نمایش بگذارند؛ جرقه‌ای در مقابل و سربازانی ایستاده، در نقطه‌های جغرافیایی که این روزها تبدیل به محلی برای مناقشه استقلال طلبانه شده است؛ ورزشکارانی که همچون هنرمندانی در صحنه نمایش مقابل پرچم مهین خود احترام نظامی می‌گذارند و مسابقه‌های ورزشی را تبدیل به آوردگاهی برای نشان دادن تصویر ملتی می‌کنند که در عصر فراگیری رسانه، انتلافی خارجی سعی بر سانسور پیام این روزهایش دارد. پس شاید براه نباشد اگر غلبه حاشیه بر متن مسابقه دیروز را به نمایشی مقابل دیدگان جهانیان قرار گرفت، تشبیه کرد؛ روزی که جام جهانی بیش از آنکه یک «جنگ جهانی» برای فراتر دنیال‌کنندگان فوتبال شود، رنگی از یک «جنگ جهانی» به خود گرفت و اسطوره فراموش‌نشده‌ی مردم آرژانتین «دیگو مارادونا» در مسابقه یک‌چهارم

مسابقات آسیایی، نخستین گام از نقشه سیاسی در ادامه فشار حداکثری آمریکای ترامپ بر ایران و طراحی شده در لایه‌های غربی-عربی است و تله‌ای برای محروم‌سازی فوتبال و چه بسا ورزش ملی، لازم بود جامعه ورزش ما اتحاد خود را علیه دشمن به نمایش بگذارد؛ فدراسیون فوتبال کویت که این پروژه را در ای‌اف‌سی کلید زد. این خدمت هندبال به فوتبال نبود، بلکه سلام‌نمادین سپید و مشکی پوشان هندبال، تصمیمی بود که توسط خود این بچه‌ها آن هم در موقعیتی پر تنش و سپید و سیاه برای کشورمان اتخاذ شده است؛ زمانی برای گرفتن تصمیمات سرنوشت‌ساز و موقعیتی که تاریخ این مرز و بوم حکایت از اسطوره‌خیز بودن آن دارد و بزرگ‌ترین اسطوره نظامی ما از واقعه انقلاب اسلامی به این سو، فراتر از هر شخصیتی، وحدت همه ما بوده است.

بدون تردید در بازگشت به مهین تکتک این قهرمانان جوان روایت خواهند کرد که سلام‌شان نه الزام نظامی به سبک افراطی‌های نوسعمانی و پان‌ترکیست، بلکه ادای دینی بوده به سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، قهرمان بزرگ‌ترین دشوارترین میدان‌های جهان. این سلام ثابت کرد «دست خدا» در انتصار اسطوره آرژانتینی که با آن از استعمار انگلیس انتقام گرفت، نمی‌ماند.

دست خدا همین دست بچه‌های هندبال است به احترام دست جداشده قهرمان‌شان حاج قاسم سلیمانی.

امروز لباس رزم بر تن ملی‌پوشان است

سید کاظم اولیایی *

وطن‌مان احترام قائل هستیم، بویژه مدافع وطنی مثل سردار شهید شهید قاسم سلیمانی که منطقه‌امنی‌تیش را زیر سایه هواد او دارد و این انکارشدنی نیست. سه - چه کسی گفته ورزشکار از مردم جاست؟ ورزشکاران ما که در این فضا رشد کرده‌اند نه تنها حامی حکومت، که حامی فرد فرد ملت ایران هستند. مگر می‌شود بازیکنی در قالب لباس تیم ملی کشوری حاضر شود و از آرمان‌های کشورش دفاع نکند؟ من می‌گویم معنای کاری که هندبالبست‌های دلاور ما کردند و در دیگر رشته‌ها نمونه مشابهش را از این پس شاهد خواهیم بود، این است که ورزشکاران ایرانی عاشق ملت و نظام اسلامی هستند و حالا که دشمن جنگ را به اینجا کشانده، هر کاری از دست‌شان بر بیاید انجام می‌دهند. احترام و ایمان به آرمان‌های اصلی انقلاب، جزو وظایف اصلی هر بازیکن ملی است، بویژه حالا که دشمن به واسطه اتفاقات چند ماه اخیر تصور می‌کند مردم و ورزشکاران از حکومت جدا افتاده‌اند. *مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال

یک - اول از همه

رفته ما به خود شما امنیت دادیم؟! حرف خنده‌داری است که کویتی‌ها بگویند ما امنیت داریم و ایران ندارد. مگر سفیر انگلیس در تظاهرات غیرقانونی علیه نظام شرکت نکرد؟! اگر اینجا بی‌قانون و ناامن بود، آیا سفیر می‌توانست سالم به سفارتخانه بازگردد؟ این به این معنی است که ما امنیت داریم. دو - امنیت ایران همان گونه که برای مردمش مهم است، برای ورزشکارش هم طبیعتاً چنین است. بازیکنان تیم‌های ملی ایران (در هر رشته‌ای) در چنین وضعیتی که غربی‌ها برای‌مان پدید آورده‌اند، خود را «سرباز وطن» می‌دانند. همانگونه که در زمین جنگ، سرباز نماد امنیت و اقتدار کشور است، در زمین مسابقه هم ورزشکار، سفیر ما است و منادی آنچه مردم می‌خواهند و می‌گویند. مشابه کار خوب هندبالبست‌ها را بسیاری از فوتبالیست‌های ما در زمین انجام داده‌اند. آنها زیر پیراهن‌های خود، پیراهن منقش به عکس شهدا را بر تن می‌کنند و وقتی گل می‌زنند یا افتخار آن را به نمایش می‌گذارند. این کار آنها یعنی برای مدافعان

یادداشت میهمان

سرنوشت‌ساز هندبالبست‌های ایران مقابل کویت را تبریک می‌گویم و تشکر می‌کنم از بازیکنان که در این مسابقه هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی ایران سلام نظامی دادند. یک یادآوری به این بچه‌ها کنم؛ وقتی صدام پس از جنگ عراق علیه ایران با وجود تمام کمک‌های بین‌المللی، نتوانست یک وجب از خاک ما را بگیرد، کویت را اشغال کرد و آن روزها کویتی‌ها به ایران پناه آوردند و حتی به بسیاری از مردم این کشور با توجه به ظرفیت‌مان جا و مکان دادیم اما متأسفانه گویا آنها همه آن سال‌ها پرنج و محنت را از یاد برده‌اند و مسابقه هم ورزشکار، سفیر ما است و منادی آنچه مردم به عنوان نخستین کشور علیه فوتبال ما اقدام کردند و به پنهان‌واهی مدعی شدند پرواز به ایران امنیت ندارد! خودشان می‌فهمند که چه می‌گویند؟ آنها کشوری را فاقد امنیت می‌دانند که سربازان آن کشور ایضاً، امنیت منطقه بودند و هستند و خواهند بود. یادتان

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz